

بررسی نقش عوامل شخصیتی، اجتماعی و اقتصادی

مؤثر بر اضطراب دانش آموزان مقطع متوسطه

شهرستان شهرضا

مؤلف:

دکتر احمد غضنفری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

معرفی مقاله:

مطالعه حاضر به بررسی نقش عوامل شخصیتی و اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر اضطراب دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان شهرضا پرداخته و هدف آن، تعیین میزان تأثیر هر یک از مؤلفه های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی در ایجاد اضطراب است. به همین منظور، ۲۵۲ آزمودنی به طور تصادفی از جامعه دانش آموزان شهرستان شهرضا انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. بخشی از نتایج به دست آمده حاکی از آن است که همه عوامل شخصیتی و خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی در ایجاد اضطراب دانش آموزان نقش معنی داری دارند. $(p < 0.0001)$ نکته مهم این است که $67/4$

درصد میزان اضطراب ناشی از تنش ارگی (Q_۴) و ۸۲/۴ درصد میزان اضطراب ناشی از تنش ارگی (Q_۴) و گرایش به گنهکاری (O) است. از میان عوامل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی، کنترل افراطی والدین و آینده شغلی و تحصیلی ۳۶/۷ درصد تغییرات اضطراب را تبیین می‌کند. افزون بر این، اضطراب دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران بیش‌تر است. هم‌چنین، میزان اضطراب دانش‌آموزان هنرستان از دانش‌آموزان دبیرستانی به‌طور معنی‌داری ($p < 0.03$) بیش‌تر است.

این مقاله را آقای دکتر احمد غضنفری عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) به رشته تحریر در آورده و در اختیار فصلنامه گذاشته است که به این وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

فصلنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اضطراب به منزله بخشی از زندگی هر انسان، در همه افراد در حدی معتدل وجود دارد و در این حد، پاسخی سازش‌یافته تلقی می‌شود. فقدان اضطراب ممکن است ما را با مشکلات و خطرهای قابل ملاحظه‌ای مواجه کند. اضطراب ما را وامی‌دارد که برای معاینه کلی به پزشک مراجعه کنیم. کتاب‌هایی را که از کتابخانه به عاریت گرفته‌ایم بازگردانیم، در یک جاده لغزنده با احتیاط رانندگی کنیم و بدین ترتیب، زندگی طولانی‌تر و بارورتری داشته باشیم (دادستان، ۱۳۷۶).

اضطراب در حد بزرگسالی، پدیده‌ای فراگیر و شناخته شده است اما بررسی گام به گام آن از حد کودک شیرخوار و در طول مراحل کودکی و نوجوانی نه تنها وسعت و اهمیت، بلکه نقش سازنده آن را نیز برجسته می‌سازد. در خلال فرایند نوجوانی، بحران‌های اضطراب نیز مشاهده می‌شوند. این اضطراب گاهی به طور ناگهانی و زمانی به صورت تدریجی ظاهر می‌شود؛ گاهی فراگیر است و زمانی در خلال چند ساعت پایان می‌پذیرد اما صرف نظر از چگونگی بروز، شدت و مدت آن، احساسی بنیادی است که کم‌تر نوجوانی با آن بیگانه است.

بنابراین، اضطراب به منزله بخشی از زندگی کودکان و نوجوانان، یکی از مؤلفه‌های ساختار شخصیت آن‌ها را تشکیل می‌دهد. از این زاویه، پاره‌ای از اضطراب‌های دوران کودکی و نوجوانی را می‌توان به هنجار تلقی کرد و تأثیر مثبت آن‌ها را بر فرایند تحول پذیرفت؛ زیرا این فرصت را برای افراد فراهم می‌آورد که مکانیزم‌های سازشی خود را در جهت مواجهه با منابع تنش‌زا و اضطراب‌آور گسترش دهند. پس، می‌توان گفت که اضطراب در پاره‌ای از مواقع، در کودک یا نوجوان سازندگی و خلاقیت به وجود می‌آورد، امکان تجسم موقعیت‌ها و سلطه بر آن‌ها را فراهم سازد یا این‌که آن‌ها را بر می‌انگیزد

تا به طور جدی با یک مسؤولیت مهم - مانند آماده شدن برای یک امتحان یا پذیرفتن یک وظیفه اجتماعی - مواجه شوند.

به عکس، اضطراب مرضی نیز وجود دارد که به منزله منبع شکست و سازش نیافتگی به شمار می‌رود و طیف اختلال‌هایی را که از اختلال‌های شناختی و بدنی تا ترس‌های غیرموجه و وحشت‌زدگی گسترده‌اند، پوشش می‌دهد و فرد را از بخش عمده‌ای از امکاناتش محروم می‌کند.

بی‌تردید در بسیاری از موارد، بحران اضطراب محدود باقی می‌ماند اما غالباً به منزله گشایش درجه‌ای به این یا آن سازمان‌یافتگی مرضی است یا قبل از استقرار نشانه‌های مرضی دوام‌دار ظاهر می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت که هر اندازه اختلال‌های اضطرابی دوره تحول را زودتر و بهتر بازشناسی و درک کنیم، بخت پیش‌تری داریم که از بروز اختلال‌ها در خلال بزرگسالی، پیش‌گیری کنیم (دادستان ۱۳۷۶، صفحه ۳۲).

مسئله اصلی این تحقیق، از یک سو بررسی نقش عوامل شخصیتی در ایجاد اضطراب و از سوی دیگر، بررسی نقش عوامل خانوادگی، اقتصادی و محیطی در ایجاد اضطراب است. در دوران نوجوانی، اضطراب امری شایع است؛ زیرا از یک طرف، نوجوان با بحران هویت روبه‌روست و هویت مناسبی را برای خویش جست و جو می‌کند و این کار را از طریق آزمایش نقش‌های مناسب برای خود دنبال می‌نماید. چند نمونه از این نقش‌های مهم، نقش تحصیلی، شغلی و خانوادگی است که هر کدام به ترتیب هویت تحصیلی، هویت شغلی و هویت خانوادگی فرد را تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر، نوجوان در مسیر نیل به اهداف خود موانعی را می‌بیند که یا ناشی از عوامل درونی - مانند عوامل شخصیتی - است یا مسایل بیرونی - مانند رفتار والدین، مسایل اقتصادی خانواده، مسایل اجتماعی، بازار کار و وجود رقابت شدید در زمینه شغلی و تحصیلی - ناشی می‌شود.

مطالعه و شناخت علل اضطراب دانش‌آموزان تلاشی در جهت بهبود وضعیت بهداشت روانی، وضعیت تحصیلی و آینده شغلی آن‌هاست؛ زیرا اضطراب شدید بر سلامت جسمانی، روانی، عملکرد تحصیلی و آموزشی، رضایت از زندگی و استفاده بهینه از توانایی‌ها و استعدادها و حتی سبک زندگی افراد اثر می‌گذارد. از آن‌جا که شناخت علل اضطراب دانش‌آموزان، به خصوص از نظر عوامل شخصیتی و عوامل خانوادگی، اقتصادی و محیطی حایز اهمیت است، نتایج این تحقیق راه حل‌های مناسبی را در اختیار مشاوران، مربیان، معلمان و مدیران قرار می‌دهد.

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی علل اضطراب دانش‌آموزان دوره متوسطه با گرایش‌های تحصیلی آن‌هاست. به عبارت دیگر، اهداف اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱- بررسی عوامل شخصیتی مؤثر بر اضطراب دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی.

۲- بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی مؤثر بر اضطراب دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی.

اهداف فرعی این پژوهش بررسی میزان اضطراب کلی، اضطراب پنهان و اضطراب آشکار و بررسی نقش جنسیت، شهری و روستایی، پایه تحصیلی (اول تا سوم)، دوره (متوسطه و پیش‌دانشگاهی) و هنرستان و دبیرستان در اضطراب دانش‌آموزان است.

فرضیات تحقیق و گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های تحقیق و دست‌یابی به اهداف پژوهش است.

فرضیات تحقیق

- ۱- عوامل پنج‌گانه شخصیتی کتل با اضطراب دانش‌آموزان رابطه دارد.
- ۲- عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی با اضطراب دانش‌آموزان رابطه دارد.
- ۳- بین اضطراب کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین اضطراب کلی دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی تفاوت وجود دارد.
- ۵- متغیرهای جنس، سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، محل سکونت، معدل و طبقه اجتماعی با اضطراب کلی دانش‌آموزان رابطه دارد.

متغیرهای مورد بررسی

موضوع تحقیق حاضر، بررسی میزان اضطراب و علل اضطراب دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان شهرضا در سال تحصیلی ۷۸-۷۹ است. این موضوع دو دسته از متغیرهای مستقل و وابسته را شامل می‌شوند. متغیرهای مستقل، عوامل شخصیتی کتل و عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی را در برمی‌گیرند. عوامل شخصیتی خود به پنج قسمت تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

- ۱- تنش ارگی
- ۲- گرایش به گنهکاری
- ۳- نالایمی پارانویایی
- ۴- فقدان نیروی من در خود
- ۵- فقدان تحول هوشیاری نسبت به خود.

منظور از تنش ارگی، انگیزه‌های ارثی یا استعدادهای فطری است که به فرد اجازه می‌دهد برای واکنش در برابر طبقات معینی از امور نسبت به امور دیگر آمادگی بیش‌تری پیدا کند (سیاسی، ۱۳۶۷، صفحه ۳۲۳). این عامل نشانگر درجه اضطرابی است که بر اثر فشار بن^۱، یعنی به واسطه کشاننده‌های بیدار شده و نیازهای کام نایافته گوناگونی به وجود آمده است. ارگ^۲ در نظریه کاتل همان نقش را ایفا می‌کند که غریزه در نظریه مک دوگال^۳ دارد.

گرایش به گنجهکاری به منزله گنجهکاری اضطراب‌آمیز و افسرده‌وار تلقی می‌شود. ویژگی اصلی آن احساس بی‌کفایتی، اضطراب و افسردگی، همراه با تمایل به هرگونه احساس گنجهکاری است. این مفهوم معادل با مفهوم اضطرابی است که بر اثر فشارهای فرامن به وجود آمده است.

منظور از گرایش پارانویایی، شخصی است با ضروری نامحدود که گاهی آن را در زیر توابعی ظاهری و ریاکارانه پنهان می‌کند. او خود را کاملاً با هوش تصور می‌کند و شایسته همه چیز می‌داند. نمره‌ای که فرد در این عامل به دست می‌آورد، معرف مشارکت نایمینی اجتماعی در اضطراب است که به موازات گسترش دفاع‌های پارانویایی آشکار می‌شود.

منظور از نیروی من، ظرفیت مهار کردن بلافاصله و بیان تنش‌ها به نحوی سازش یافته و واقع‌نگر است و تحول هوشیاری نسبت به خود به عنوان درجه انگیزش برای یک‌پارچه کردن رفتار فردی به کار رفته است که در حول و حوش احساسی از خویشتن که پذیرفته و هشیار است و ضوابطی که از نظر اجتماعی مورد تأییدند، عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نیز به چهار دسته ۱- فقر اقتصادی ۲- آینده شغلی و تحصیلی ۳- کنترل افراطی والدین ۴- محیط‌های جدید تقسیم می‌شوند.

منظور از فقر اقتصادی این است که سطح زندگی فرد زیر استانداردهای اکثریت افراد جامعه قرار دارد و در شرایط محرومیت یا فقر به سر می‌برد.

هورتن^۴ معتقد است که فقرا کسانی هستند که در حاشیه جامعه زندگی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها با مسایل یا معلولیت‌های اجتماعی یا بدنی مواجه‌اند. ملاک دقیق‌تر تشخیص فقر را خط قرمز می‌نامند که در هر کشوری برآورد خاص خود را دارد (محسنی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۶). منظور از آینده شغلی و تحصیلی، نگرانی‌ها و مشغله‌های ذهنی نوجوان درباره توانایی‌های تحصیلی و شغلی است. و این که چه توانایی‌هایی دارد و در چه رشته‌ای باید تحصیل کند و چه شغلی را برگزیند و در کدام یک از مشاغل موفقیت بیش‌تری دارد. منظور از کنترل افراطی والدین، مجموعه عوامل خانوادگی مؤثر بر ایجاد اضطراب، کیفیت روابط عاطفی حاکم بر خانواده، ندادن آزادی عمل به نوجوانان و تحمیل عقاید و افکار خود بر نوجوان و مخالفت والدین با رفت و آمدهای نوجوان است. منظور از محیط جدید در این پژوهش این است که دانش‌آموز در دوره نوجوانی با تمام تحصیلات دوره راهنمایی وارد دوره متوسطه می‌شود و ورود به دوره تحصیلی جدید می‌تواند عامل به وجود آورنده اضطراب در او باشد. به طور کلی، فرض بر این است که عوامل شخصیتی و عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی دانش‌آموزان با میزان اضطراب آن‌ها رابطه دارد.

مروری بر تحقیقات انجام شده

در این بخش، شماری از تحقیقات انجام شده مرتبط با علل اضطراب در نوجوانان و جوانان ذکر می‌شود.

بهرامی (۱۳۷۶) در تحقیقی که روی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ انجام داده، رابطه کلیسه عوامل مؤثر بر اضطراب و نمره اضطراب دانش‌آموزان مذکور را بررسی کرده است. او به این نتیجه رسیده است که کلیه عوامل جسمانی، دوران رشد، اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و عاطفی تأثیر معناداری بر اضطراب داشته‌اند و بین کلیه

عوامل مؤثر بر اضطراب و نمره اضطراب هم‌بستگی مثبت وجود دارد. بیش‌ترین هم‌بستگی در پسران بین عامل اجتماعی و اضطراب و کم‌ترین هم‌بستگی بین عوامل جسمانی و اضطراب وجود دارد. در دختران، بیش‌ترین هم‌بستگی بین عامل دوران رشد و عاطفی با اضطراب و کم‌ترین هم‌بستگی بین عوامل اقتصادی و جسمانی و اضطراب می‌باشد. تحلیل رگرسیون چندگانه عوامل اضطراب کتل نشان می‌دهد که متغیرهای تنش ارگی (Q_4)، گرایش پارانویایی (I_1)، تحول هوشیاری نسبت به خود (Q_3) و گرایش به گنجهکاری (O) بر میزان اضطراب تأثیر معنی‌داری داشته‌اند. ضرایب بتا میزان تأثیر متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که بیش‌ترین تأثیر مربوط به عامل تنش ارگی (Q_4) است. تحقیق یاد شده هم‌چنین نشان می‌دهد که میانگین نمرات اضطراب دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری دارد و دختران بیش‌تر از پسران مضطرب‌اند و درصد بیش‌تری از دختران در مقایسه با پسران در سطح مضطرب روان آزرده و مضطرب نیازمند به درمان قرار دارند. هم‌چنین، میزان اضطراب دانش‌آموزان رشته‌های علوم تجربی از سایر رشته‌ها بیش‌تر بوده است.

صلحی (۱۳۷۵) در تحقیقی که روی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان آبادان انجام داده، تأثیر عوامل شخصیتی اضطراب کتل را بر دانش‌آموزان بررسی کرده است. او به این نتیجه رسیده است که فقدان تحول هوشیاری نسبت به خود، فقدان نیروی من و گرایش به گنجهکاری در ایجاد اضطراب نقش دارند ولی نایم‌نی پارانویایی و تنش ارگی در این امر نقشی ندارند.

دادستان (۱۳۷۶) در تحقیقی که در مورد سنجش و درمان اضطراب امتحان روی دانش‌آموزان دختر سال‌های دوم و سوم دبیرستان مناطق ۱۹ گانه تهران در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ انجام داده، رابطه بین اضطراب امتحان و عوامل اضطرابی شخصیت و عوامل خاص اضطرابی را که به طور مستقیم با اضطراب امتحان

مرتبطاند بررسی کرده است. او به این نتیجه رسیده است که بین عوامل آزمون اضطراب کتل و مقیاس اضطراب امتحان همبستگی معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داده که تنها عامل مرتبه اول اضطرابی که بر نتایج تحصیلی تأثیر دارد، عامل تنش ارگی (O₄) است اما در سطح تحلیل یک متغیری عوامل اصلی، عامل اضطراب ناشی از احساس گناهکاری (O) نیز به عنوان دیگر عامل مؤثر (در سطح اطمینان ۹۸ درصد) مشخص گردیده است نتایج این تحقیق هم چنین نشان داده است که اثر اصلی منطقه آموزشی بر عوامل آزمون اضطراب کتل و مقیاس اضطراب امتحان معنادار است.

فتحی آشتیانی (۱۳۷۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی تحولی ابعاد روان‌شناختی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران" مؤلفه‌های تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی را از لحاظ جنس و پایه تحصیلی بررسی کرده است. او به این نتیجه رسیده است که دانش‌آموزان پایه اول تحصیلی نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم تحصیلی تصور خود و حرمت خود قوی‌تر، رگه اضطراب و افسردگی کم‌تر و کارآمدی تحصیلی بیش‌تری دارند.

ساراسون^۵ (۱۹۷۸) در تحقیقی که در زمینه اضطراب اجتماعی در دانشگاه ییل انجام داده، میزان اضطراب اجتماعی را در پایه‌های بالاتر تحصیلی بیش‌تر گزارش کرده است و نشان داده که دختران نسبت به پسران اضطراب اجتماعی بالاتری دارند.

اکثر روان‌شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان‌شان را بر اساس رشد عاطفی و هیجانی تلقی می‌کنند (بالبی ۶، ۱۹۶۹، فروید، ۷، ۱۹۶۴). بر این اساس، محققان الگوهای متنوعی را در خصوص ارتباط والدین و کودکان‌شان مطرح کرده‌اند؛ مثلاً سیرز، مک کوبی و لوین^۸ (۱۹۵۹) به این نتیجه رسیده‌اند که دو بعد از رفتار والدین در ارتباط با

فرزندانشان اهمیت دارد که عبارت‌اند از: "پذیرش در برابر طرد" و "سخت‌گیری در برابر آسان‌گیری". هم‌چنین شیفر^۹ (۱۹۵۹) با انجام دادن پژوهشی، الگویی را مطرح می‌کند که بر اساس آن مادران پذیرنده یا طردکننده، می‌توانند سخت‌گیر یا آسان‌گیر باشند و با ترکیبی از این دو بعد، الگوهای مختلف رفتار والدین شکل می‌گیرد؛ برای مثال، حمایت افراطی والدین باعث می‌شود که کودک احساس بی‌کفایتی کند و این به نوبه خود به اضطراب منجر می‌شود.

در تحقیقی دیگر با مریند^{۱۰} (۱۹۷۳) بین روش‌های تربیتی والدین و خصوصیات رفتاری کودکان مقایسه‌هایی به عمل آورد. نتایج این تحقیق نشان داد که کودکان خویشتن‌دار، کنجکاو، فعال و متکی به خود که نسبت به هم‌بازی‌هایشان مهربان‌اند، والدینی مهربان، پرحرارت و پذیرنده دارند؛ بنابراین، تجارب فرد در دوران اولیه زندگی و تجاربی که فرد از زندگی با والدین خود دارد، بر رشد هیجانی از جمله میزان اضطراب او تأثیر می‌گذارد (وندز زندن، ۱۳۷۶).

تحقیقات انجام شده توسط باکمن، اومالی و جانسون^{۱۱} (۱۹۷۸) نیز نشان می‌دهد که احساس استقلال و مسؤلیت افراد در قبال کارهایی که انجام می‌دهند، به نگرش آزادمنشانه یا مستبدانه والدینشان بستگی دارد (برومند نسب و همکاران، ۱۳۷۶).

تحقیقات وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکانشان و روش‌های تربیتی انجام شده است، نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت شخصیت افراد در آینده تأثیرات درازمدت دارند (برومند نسب و همکاران، ۱۳۷۶).

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش علی-مقایسه‌ای^{۱۲} و روش هم‌بستگی^{۱۳} است. از روش علی-مقایسه‌ای برای مقایسه‌ی اضطراب دانش‌آموزان دختر و پسر، شهری و روستایی، دبیرستانی و هنرستانی، کلاس‌های اول تا سوم دبیرستان استفاده شده است. از روش هم‌بستگی برای بررسی رابطه‌ی عوامل شخصیتی و عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی با اضطراب دانش‌آموزان استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه مورد پژوهش

جامعه آماری تحقیق، کلیه دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۷۸۸۷۹ در پایه اول، دوم و سوم و پیش‌دانشگاهی دبیرستان‌های دولتی شهرستان شهرضا بوده‌اند که تعدادشان به ۹۵۵۷ می‌رسید. از این تعداد ۸۳۵ نفر در پایه پیش‌دانشگاهی، ۸۶۷۳ نفر در دوره متوسطه نظام جدید و ۴۹ نفر در دوره متوسطه نظام قدیم مشغول تحصیل بوده‌اند. هم‌چنین، از کل جامعه آماری ۴۶۶۷ نفر دختر و ۴۸۹۰ نفر پسر و ۶۰۱۳ نفر شهری و ۶۲۵ نفر روستایی بوده‌اند. دلیل انتخاب دانش‌آموزان پایه اول تا سوم و پیش‌دانشگاهی بررسی و مطالعه تأثیر پایه تحصیلی آن‌ها در میزان اضطراب بود. به علت بزرگی و گستردگی حجم جامعه آماری و هم‌چنین، تسهیل و تسریع کار پژوهش و صرفه‌جویی در وقت و هزینه و انجام مطالعه عمیق‌تر و کارآمدتر، نمونه‌ای از این جامعه به طور تصادفی به عنوان نمونه معرف انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای^{۱۴} است. نمونه‌ای به حجم ۲/۷ درصد و تعداد ۲۵۲ نفر شامل ۱۴۷ نفر دختر و ۱۰۵ نفر پسر انتخاب شد.

در این روش نمونه‌گیری، جامعه مادر شامل ۳۴ واحد آموزشی دوره متوسطه بوده است؛ بنابراین، اولین خوشه در جامعه تحقیق واحد آموزشی بود که به طور تصادفی از ۳۴ واحد آموزشی ۱۲ واحد انتخاب گردید. از این ۱۲ واحد آموزشی، ۶ واحد پسرانه و ۶ واحد دخترانه به طور تصادفی برگزیده شد. هم‌چنین، از ۱۲ واحد آموزشی ۳ واحد آموزشی روستایی و ۹ واحد آموزشی شهری بودند. از بین واحدهای آموزشی شهری و روستایی، ۲ واحد پیش‌دانشگاهی، ۲ واحد هنرستان و ۸ واحد دبیرستان بودند.

تعداد کل دانش‌آموزان این ۱۲ واحد آموزشی ۳۴۹۹ نفر است که از این تعداد ۲۰۴۹ نفر دختر و ۱۴۵۰ نفر پسر مشغول به تحصیل‌اند. از طریق محاسبه، نسبت سهم هر واحد آموزشی تعیین شد. سپس، فهرست کلیه دانش‌آموزان به تفکیک پیش‌دانشگاهی، دبیرستان، هنرستان و پایه تحصیلی تهیه گردید و افراد با استفاده از روش انتخاب تصادفی منظم یا سیستماتیک انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

در این تحقیق برای سنجش متغیر وابسته (اضطراب) از آزمون اضطراب کتل و برای سنجش عوامل اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی از پرسش‌نامه خودساخته استفاده شده است. شواهد تحقیقی فراوان نشان داده است که آزمون اضطراب کتل با ابعاد درونی آزمون همبستگی بسیار بالایی دارد که این خود بیانگر وجود روایی آزمون اضطراب کتل است. به عبارت دیگر، آزمون اضطراب کتل همسانی درونی دارد. پرسش‌نامه خودساخته شامل ۵۵ سؤال است که براساس فرضیات پژوهش، یعنی تأثیر متغیرهای مستقل از قبیل فقر اقتصادی، آینده تحصیلی و شغلی، کنترل افراطی والدین و محیط‌ها و موقعیت‌های جدید در قالب شماره‌های خاصی تنظیم شده‌اند. تلاش بر ایسن

بوده است که سؤالات مربوط به فرضیه در بین سؤال‌های دیگر توزیع شوند و نظم بخصوصی نداشته باشند. ضریب پایایی پرسش‌نامه خودساخته به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹۹۶ است که بیانگر پایانی مناسب می‌باشد. محاسبات آماری معرف آن است که چهار بعد اصلی ابزار تحقیق خود ساخته (شامل ۵۵ گویه فرعی) بر اساس تحلیل عاملی به یک عامل تقلیل یافته است و این معرف روایی سازه ابزار خودساخته می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل آماری

در این تحقیق علاوه بر بکارگیری برخی شاخص‌های آمار توصیفی، از آمار استنباطی نیز برای تجزیه و تحلیل و بررسی آزمون‌های آماری استفاده شده است. داده‌های استخراج شده از طریق برنامه کامپیوتری SPSS در محیط Windows که مخصوص کارهای آماری در علوم اجتماعی است، تحلیل شد. در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ آزمون اضطراب کتل و پرسش‌نامه خودساخته میان دانش‌آموزان نمونه توزیع گردید.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تقریباً ۲۴/۳ درصد آزمودنی‌ها نمره اضطراب کلی طراز شده آن‌ها ۷ یا ۸ است که نشان‌دهنده روان آزردده مضطرب می‌باشد. نمره اضطراب کلی طراز شده ۱۲/۶ درصد آزمودنی‌ها ۹ یا ۱۰ بود. این نکته نشان می‌دهد که این افراد به دلیل اضطراب شدید به درمان‌گری نیاز دارند. در مجموع، ۳۶/۹ درصد آزمودنی‌ها اضطراب کلی متوسط و شدید داشته‌اند.

جدول شماره ۱- آمارهای توصیفی نمره طراز شده اضطراب پنهان، اضطراب آشکار و اضطراب کلی دانش‌آموزان

اضطراب کلی		اضطراب آشکار		اضطراب پنهان		نمره طراز شده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱/۲	۳	۰/۸	۲	۲/۴	۶	۰
۱/۲	۳	۲/۸	۷	۰/۴	۱	۱
۶/۱	۱۵	۴/۱	۱۰	۴/۵	۱۱	۲
۷/۷	۱۹	۱۱/۴	۲۸	۹/۸	۲۴	۳
۹/۸	۲۴	۸/۹	۲۲	۱۹/۱	۴۷	۴
۱۹/۹	۴۹	۱۲/۶	۳۱	۱۶/۷	۴۱	۵
۱۷/۱	۴۲	۱۷/۹	۴۴	۱۱/۴	۲۸	۶
۱۵	۳۷	۱۳/۴	۳۳	۱۹/۹	۴۹	۷
۹/۳	۲۳	۱۱/۸	۲۹	۸/۹	۲۲	۸
۶/۱	۱۵	۸/۵	۲۱	۳/۳	۸	۹
۶/۵	۱۶	۷/۷	۱۹	۳/۳	۸	۱۰
۰	۰	۰	۰	۰/۴	۱	۱۱
۲/۴	۶	۲/۴	۶	۲/۴	۶	بی‌جواب
۱۰۰	۲۵۲	۱۰۰	۲۵۲	۱۰۰	۲۵۲	کل

مقایسه میانگین اضطراب پنهان گروه نمونه (۲۰/۱۷) با میانگین گروه هنجار ایرانی (۱۸/۹) نشان می‌دهد که اضطراب گروه نمونه بالاتر است. هم‌چنین، مقایسه میانگین اضطراب آشکار گروه نمونه (۲۱/۳۶) با میانگین گروه هنجار ایرانی (۱۸/۵۵) نشان می‌دهد که اضطراب آشکار آزمودنی‌های تحقیق بالاتر است و بالاخره، مقایسه میانگین اضطراب کلی گروه نمونه (۴۱/۵۱) با میانگین هنجار ایرانی (۳۶/۷۴) نشان می‌دهد که اضطراب کلی آزمودنی‌های تحقیق بالاتر است.

جدول شماره ۲- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نمونه خام اضطراب پنهان،
اضطراب آشکار و اضطراب کلی دانش‌آموزان

انحراف استاندارد	میانگین گروه هنجار	میانگین گروه نمونه	شاخص متغیر
۵/۲۵	۱۸/۱۹	۲۰/۱۷	اضطراب پنهان
۶/۳۷	۱۸/۵۵	۲۱/۳۶	اضطراب آشکار
۹/۶۳	۳۶/۷۴	۴۱/۵۱	اضطراب کلی

جهت آزمون این فرضیه که عوامل پنج‌گانه شخصیتی کسبل در اضطراب دانش‌آموزان نقش دارد، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این تحلیل، اضطراب کلی متغیر وابسته و عامل‌های شخصیتی تنش ارگی، گرایش به گنهکاری، هوشیاری نسب به خود، فقدان نیروی من و گرایش پارانویایی متغیرهای مستقل‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر مستقل تنش ارگی در مرحله اول و متغیر فقدان نیروی من در مرحله چهارم وارد معادله شده‌اند و متغیر گرایش پارانویایی وارد معادله نشده و از آن حذف گردیده است. به عبارت دیگر، تنش ارگی، گرایش به گنهکاری، هوشیاری نسبت به خود و فقدان نیروی من به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر اضطراب و پیش‌بینی آن دارند، اما گرایش پارانویایی در ایجاد اضطراب نقش معنی‌داری نداشته است.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی مدل رگرسیون برای پیش‌بینی اضطراب کلی

مرحله	متغیر	R چندگانه	R ²	F	Sig _F
۱	تنش ارگی (Q ₁)	۰/۸۲۱	۰/۶۷۴	۵۰۴/۱۳	۰/۰۰۰۱
۲	گرایش به گنهکاری (O)	۰/۹۰۸	۰/۸۲۴	۵۶۸/۶۸	۰/۰۰۰۱
۳	هوشیاری نسبت به خود (Q ₃)	۰/۹۵۶	۰/۹۱۴	۸۵۶/۷۸	۰/۰۰۰۱
۴	فقدان نیروی من (C)	۰/۹۷۸	۰/۹۵۶	۱۳۱۱/۹۸	۰/۰۰۰۱
۵	گرایش پارانویایی (L)	۰/۹۲۲	۰/۹۸۳	۲۸۲۳/۸۷	۰/۰۰۰۱

جدول ۴- ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی اضطراب کلی

نام متغیر	B	Beta	T	Sig _i
تنش ارگی (Q ₄)	۰/۹۷۸	۰/۳۵۲	۳۱/۷۴	۰/۰۰۰۱
گرایش به گنهکاری (O)	۱/۰۱۳	۰/۳۴۲	۳۲/۰۹	۰/۰۰۰۱
هوشیاری نسبت به خود (Q ₃)	۰/۹۳۳	۰/۲۵۵	۲۶/۷۵	۰/۰۰۰۱
فقدان نیروی من (C)	۰/۹۹۱	۰/۲۳۸	۲۲/۶۴	۰/۰۰۰۱
گرایش پارانویایی (L)	۰/۹۶۸	۰/۱۷۴	۱۹/۷۶	۰/۰۰۰۱

به این ترتیب، معادله رگرسیون پیش‌بینی اضطراب کلی دانش‌آموزان عبارت از:

$$Y = 2/639 + /352 X_1 + /342 X_2 + /255 X_3 + /238 X_4$$

در معادله بالا، Y برابر است با میزان اضطراب کلی، X₁ برابر است با میزان تنش ارگی، X₂ برابر است با گرایش به گنهکاری، X₃ برابر است با میزان هوشیاری نسبت به خود و X₄ برابر است با فقدان نیروی من.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۶۷/۳ درصد تغییرات وابسته (اضطراب) کلی ناشی از تغییرات متغیر مستقل تنش ارگی (Q₄) است. با ورود متغیر گرایش به گنهکاری (O)، ۸۲/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته ناشی از تنش ارگی و گرایش به گنهکاری است. با ورود متغیر سوم - یعنی میزان هوشیاری نسبت به خود (Q₃) - ۹۱/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته ناشی از تنش ارگی، گرایش به گنهکاری و میزان هوشیاری نسبت به خویش است. با ورود متغیر چهارم - یعنی فقدان نیروی من (C) - ۹۵/۶ درصد تغییرات اضطراب کلی ناشی از متغیرهای تنش ارگی، گرایش به گنهکاری، میزان هوشیاری نسبت به خود فقدان نیروی من است. با ورود متغیر پنجم - یعنی گرایش پارانویایی - ۹۸/۳ درصد تغییرات اضطراب کلی ناشی از پنج متغیر به طور همزمان است.

برای آزمون این فرضیه که عوامل اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی در اضطراب دانش‌آموزان نقش دارند، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این تحلیل، اضطراب کلی متغیر وابسته و کنترل افراطی والدین، آینده شغلی و تحصیلی، فقر اقتصادی و محیط‌های جدید متغیرهای مستقل‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر کنترل افراطی والدین در مرحله اول و متغیر آینده شغلی و تحصیلی در مرحله دوم و قرار گرفتن در محیط‌های جدید در مرحله سوم وارد معادله شده است. در عین حال، فقر اقتصادی وارد معادله نشده و از آن حذف شده است. به عبارت دیگر، کنترل افراطی والدین، آینده شغلی و تحصیلی و قرار گرفتن در محیط‌های جدید به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر اضطراب و پیش‌بینی آن دارند اما فقر اقتصادی در ایجاد اضطراب نقش معنی‌داری نداشته است.

جدول شماره ۵- آماره‌های توصیفی مدل رگرسیون برای پیش‌بینی اضطراب کلی

مرحله	متغیر	R چندگانه	R ²	F	Sig _F
۱	کنترل افراطی والدین	۰/۵۱۲	۰/۲۶۲	۷۱/۱۷	۰/۰۰۰۱
۲	آینده شغلی و تحصیلی	۰/۶۰۸	۰/۳۶۷	۴۴/۲۲	۰/۰۰۰۱
۳	قرار گرفتن در محیط‌های جدید	۰/۶۵	۰/۴۲۲	۲۱/۵۱	۰/۰۰۰۱

جدول شماره ۶- ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی اضطراب کلی

نام متغیر	B	Beta	T	Sig _t
کنترل افراطی والدین	۰/۴۱۷	۰/۲۸۹	۵/۱۷۳	۰/۰۰۰۱
آینده شغلی و تحصیلی	۰/۳۸	۰/۲۷۶	۲/۹۸۵	۰/۰۰۰۱
قرار گرفتن در محیط‌های جدید	۰/۴۴۹	۰/۲۷	۴/۸۰۲	۰/۰۰۰۱

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۲۲/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (اضطراب کلی) ناشی از تغییرات متغیر مستقل کنترل افراطی والدین است. ۲۶/۷ درصد تغییرات اضطراب کلی از تغییرات متغیرهای کنترل افراطی والدین و آینده‌شغلی و تحصیلی ناشی می‌شود و ۲۷ درصد تغییرات اضطراب کلی ناشی از سه متغیر کنترل افراطی، آینده‌شغلی و تحصیلی و قرار گرفتن در محیط‌های جدید است و فقر اقتصادی از مدل خارج شده است. به این ترتیب، معادله رگرسیون پیش‌بین اضطراب کلی دانش‌آموزان عبارت است از:

$$Y = 10/407 + /289X_1 + /276 X_2 + /27 X_3$$

در معادله یاد شده، Y میزان اضطراب کلی، X_1 با میزان کنترل افراطی والدین، X_2 وضعیت آینده‌شغلی و تحصیلی و X_3 وضعیت قرارگرفتن در محیط‌های جدید است.

برای آزمون معنی‌داری تفاوت اضطراب کلی دختر و پسر، از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده شد. که نتایج تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. همچنین، از آزمون F برای معنی‌داری اضطراب در پایه‌های تحصیلی اول تا سوم و پیش‌دانشگاهی استفاده شد که نتایج تحلیل واریانس، تفاوت معنی‌داری را در اضطراب کلی دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا سوم و پیش‌دانشگاهی نشان نداد اما نتایج آزمون t برای معنی‌داری تفاوت اضطراب کلی دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی نشان داد که در سطح $P < 0/05$ میان اضطراب دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره ۸- نتایج آزمون t برای معنی‌داری تفاوت اضطراب

دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی

گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	t	Sig ₁
دبیرستانی	۴۰/۷۹	۹/۷۹	۱۸۸	-۲/۱۵	۰/۰۳۲
هنرستانی	۴۴/۱۷	۱۱/۳۱	۵۴		

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که اضطراب دانش‌آموزان هنرستانی از دانش‌آموزان دبیرستانی بیش‌تر است. هم‌چنین، برای بررسی تأثیر توأم و هم‌زمان متغیرهای جنس، سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، محل سکونت (شهری و روستایی)، معدل و طبقه اجتماعی بر اضطراب کلی دانش‌آموزان از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد که فقط جنسیت بر اضطراب کلی تأثیر دارد و سایر متغیرها تأثیری بر اضطراب نداشته‌اند.

جدول شماره ۹- آماره‌های توصیفی مدل رگرسیون برای پیش‌بینی اضطراب کلی

مرحله	متغیر وارد شده در معادله	r چندگانه	R ²	F	Sig ₁
۱	جنسیت	۰/۲۲۰	۰/۰۴۸۴	۱۱/۱۹	۰/۰۰۱

هم‌چنین برای بررسی تفاوت بین چهار بعد فقر اقتصادی، آینده شغلی و تحصیلی، کنترل افراطی والدین و قرارگرفتن در محیط‌های جدید دانش‌آموزان شهری و روستایی، دانش‌آموزان دختر و پسر از آزمون t استفاده شد. نتایج تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

برای بررسی رابطه متغیرهای اضطراب آشکار، اضطراب پنهان، اضطراب کلی، میزان هوشیاری نسبت به خود (Q_3) فقدان نیروی (c)، گرایش پارانویایی (L)، گرایش به گنجهکاری (O)، تنش ارگی (Q_4) فقر اقتصادی، آینده شغلی و تحصیلی، کنترل افراطی والدین و قرارگرفتن در محیط‌های جدید همبستگی پیرسون محاسبه شده است.

بحث

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اضطراب با درجات مختلف در همهٔ سنین وجود دارد اما در سنین نوجوانی و بلوغ، میزان اضطراب بیش‌تر است؛ زیرا نوجوانان باید در بسیاری از زمینه‌های تحول از خود سازش‌یافتگی نشان دهند تا بتوانند وارد دنیای بزرگ‌سالی شوند. تحلیل توصیفی نتایج نشان داد که ۳۶/۹ درصد دانش‌آموزان اضطراب متوسط و شدید دارند که در مقایسه با میانگین هنجارهای ایرانی اضطراب آزمودنی‌های تحقیق بالاتر است. در وهلهٔ نخست، نتایج این تحقیق نشان دادند که اضطراب دانش‌آموزان با عوامل شخصیتی ارتباط دارد. تعیین سهم هر یک از عوامل شخصیتی، نقش برخی از ساخت‌های شخصیتی و مشارکت آن‌ها را در اضطراب دانش‌آموزان برجسته ساخت. محاسبه‌های آماری نشان دادند که عوامل تنش‌ارگی (Q_4) گرایش به گنجهکاری (O)، هوشیاری نسبت به خود (Q_3) و فقدان نیروی من (C) و گرایش پارانویایی (L) به ترتیب مؤثرترین عوامل در ایجاد اضطراب‌اند. می‌توان گفت که از یک سو نگرانی، تحریک‌پذیری، حساسیت در برابر انتقاده‌ها، احساس سرخوردگی، کام‌نایا گفتگی‌های منبعث از سرکوبگری کشاننده‌های بنیادی، بالا بودن سطح فیزیولوژیکی و شدت تظاهرات نظام عصبی خودمختاری که بر اساس بالا بودن نمرات در عامل تنش‌ارگی (Q_4) مشخص می‌شوند و از دیدگاه بعضی پژوهشگران به منزلهٔ فریاد کمک‌طلبی فرد و نشان‌دهندهٔ ناتوانی وی در ارایه پاسخ‌های مناسب اجتماعی نیز هستند، بر میزان اضطراب تأثیر دارند. از سوی دیگر، خود ناززنده‌سازی ناشی از تجربه‌های گذشته یا کنونی، احساس بی‌کفایتی، دل‌تنگی، افسردگی همراه با گرایش به احساس گنجهکاری (که مبتنی بر یک بازخورد هیجانی بنیادی نسبت به خویشتن است)، برانگیختگی هیجانی تحت تأثیر فشارهای ناشی از منابع قدرت، حساسیت نسبت به تأیید یا عدم تأیید دیگران، اضطراب ناشی از

فرامن، ارزنده‌تر دانستن دیگران و به طور خلاصه، فقدان حرمت خود که براساس بالا بودن نمرات در عامل گرایش به گنهکاری (O) متمایز می‌شود، در ایجاد اضطراب مشارکت قابل ملاحظه‌ای دارند. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد که عامل فقدان هوشیاری نسبت به خود در ایجاد اضطراب در مرتبه سوم قرار دارد. نکته دیگر این تحقیق آن است که فقدان نیروی من، یعنی کاهش پایداری هیجانی، کاهش سازش یافتگی با محیط، تغییرپذیری بیش‌تر بازخوردها و رغبت‌ها و ضعف من و مکانیزم‌های دفاعی آن موجب اضطراب می‌شود. به عبارت دیگر، یک من ضعیف در دانش‌آموز اضطراب ایجاد می‌کند. اعتقاد بر این است که نوع روابط عاطفی و شیوه‌های تربیت خانوادگی مبتنی بر ایجاد وابستگی، مانعی در راه شکل‌گیری نهایی یک من مستقل فراهم می‌آورند. محیط آموزشی نیز به جای فراهم‌آوردن جوی پویا و تعاملی که در چارچوب آن، دانش‌آموزان بتوانند به رشد یافتگی هیجانی، مکانیزم‌های دفاعی مؤثر، توانایی تحمل ناکامی‌ها و بالاخره به یک من مستقل و خلاق دست یابند، آن‌ها را در جهت تبعیت‌جویی، دیگر پیروی و فقدان هر نوع خلاقیت سوق می‌دهد. این امر موجب می‌شود که بسیاری از نوجوانان نتوانند برای تنش‌های ناشی از تعارض‌های خود راه حلی بیابند. تشدید سطح درگیری و احساس نایمنی با افزایش سن و گسترده‌تر شدن دل‌مشغولی‌های اقتصادی و اجتماعی به خصوص در مناطق محروم‌تر، به ایجاد بازدارنده‌های متسهی می‌شود و نوعی واپسروی را به دنبال دارد.

تحلیل رگرسیون متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی نشان داد که ۲۶/۲ درصد تغییر اضطراب، از کنترل افراطی والدین ناشی می‌شود و با ورود متغیر آینده شغلی و تحصیلی، ۳۶/۷ درصد تغییرات اضطراب ناشی از کنترل افراطی والدین و آینده شغلی و تحصیلی است. با ورود متغیر قرارگرفتن در محیط‌های جدید، ۴۲/۲ درصد تغییرات اضطراب تبیین می‌شود. به عبارت

دیگر، در درجه اول کنترل افراطی والدین و در درجه دوم آینده شغلی و تحصیل دانش‌آموزان را بیش‌تر نگران می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که فقر اقتصادی در ایجاد اضطراب نقش مهمی نداشته‌اند. هم‌چنین، نتایج تحقیق نشان داد که دختران نسبت به پسران اضطراب بیش‌تری دارند. هم‌چنین دانش‌آموزان هنرستانی نسبت به دانش‌آموزان دبیرستانی اضطراب بیش‌تری دارند اما بین اضطراب دانش‌آموزان شهر و روستایی پایه‌ها و رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوتی وجود ندارد.

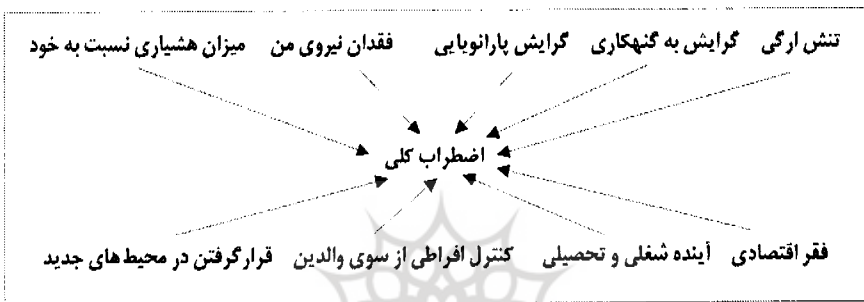
بالا بودن میزان اضطراب در دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر به روابط عاطفی در خانواده و سیطره پا بر جای آن در فرزندان دختر مرتبط است و نشان‌دهنده جلوگیری از شکل‌گیری نهایی یک "من" مستقل در آن‌ها و حاکی از ادامه وابستگی آنان به خانواده است. به عبارت دیگر، در چنین حالتی اضطراب ناشی از تعارض بین وابستگی و استقلال مطرح می‌شود. افزون بر این، احساس اضطراب و نایمنی در دختران را می‌توان نتیجه درمساندگی آموخته شده تحت تأثیر بازخورد منفی جامعه نسبت به زنان دانست. از سوی دیگر، در جامعه ما امکان آزادی عمل و برون‌ریزی هیجانی برای پسران بیش از دختران است و همین عامل می‌تواند در کاهش یا افزایش اضطراب نقش به‌سزایی داشته باشد (فتحی، ۱۳۷۶).

اضطراب

به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که کلیه عوامل شخصیتی در ایجاد اضطراب نقش دارند اما سهم همه آن‌ها یکسان نیست. تنش ارگی بیش‌ترین و نایمنی پارانویایی کم‌ترین نقش را در ایجاد اضطراب داشته‌اند هم‌چنین، همه عوامل خانوادگی - اجتماعی در ایجاد اضطراب نقش دارند اما باز هم سهم کلیه این عوامل یکسان نیست؛ به طوری که کنترل افراطی والدین بیش‌ترین

تأثیر و فقر اقتصادی کم‌ترین تأثیر را در ایجاد اضطراب دارند. نتایج این تحقیق را می‌توان در نمودار شماره یک خلاصه کرد.

نمودار شماره ۱- رابطه عوامل شخصیتی و عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی



با توجه به نتایج تحقیق، برای کاهش اضطراب موجود در جامعه آماری مورد تحقیق می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر عنوان کرد.

پیش‌نهادهای:

یافته‌های تحقیق نشان داد که از بین عوامل شخصیتی، عامل شخصیتی تنش ارگی و عامل گرایش به گنجهکاری به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ایجاد اضطراب داشته‌اند؛ یعنی، اضطراب بر اثر نیازهای کام نایافته و سرکوب شده و احساس خود متهم‌سازی و بی‌کفایتی پدید می‌آید. بنابراین، باید به والدین، معلمان، مربیان و مشاوران و دست‌اندرکاران مسایل تربیتی و فرهنگی و نوجوانان و جوانان آموزش داد تا شرایط درونی و نیازهای نوجوانان را درک کنند، شرایط مساعدی را برای برآورده ساختن نیازهای درونی آنان فراهم آورند و راه‌های کنار آمدن با تنش‌ها و هیجانات و تعارضات آن‌ها را بیاموزند. هم‌چنین، لازم است الگوها و معیارهای رفتاری و اخلاقی مطلوبی در طول دوران تحصیل - به ویژه در دوره نوجوانی - به نوجوانان و جوانان ارایه

گردد تا با این الگوها و معیارها همانندسازی کنند و اگر هماهنگ با این الگوها و معیارها رفتار کردند، مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق نشان داد که از بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی، کنترل افراطی از سوی والدین بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد اضطراب داشته است. به همین دلیل، باید بهترین شیوه‌های فرزندپروری در جلسات آموزش خانواده به والدین دانش‌آموزان آموزش داده شود. همچنین، با ارایه آموزش‌های لازم توان علمی مدرسان آموزش خانواده در زمینه روش‌های مناسب تربیتی تقویت گردد و آن‌ها موضوع کنترل فرزندان از سوی والدین را در رأس موضوعات آموزشی خویش قرار دهند. بالاخره دانش‌آموزان دختر به اضطراب بیش‌تری دچارند و به دلیل لطایف و حساسیت تحول روان‌شناختی دختران، به مراقبت و رسیدگی بیش‌تری از سوی والدین و مسئولان آموزش و پرورش نیاز دارند. این نکته به خصوص در زمینه تحصیلی و شغلی در جامعه فعلی ما که دختران تلاش می‌کنند وارد دانشگاه شوند و با گذراندن تحصیلات دانشگاهی بتوانند شغل و موقعیت اجتماعی مناسبی پیدا کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا خواسته‌ها و اهداف دختران مورد قبول خانواده‌ها و عادت‌ها و سنت‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد و لذا آنان موفق به کسب استقلال و آزادی دلخواه خود نمی‌شوند. این‌گونه تعارض‌ها آرامش دختران را بر هم می‌زند برای از بین بردن این‌گونه نگرانی‌ها، خانواده‌ها باید دختران خویش را به موقعیت‌های آینده امیدوار کنند و محیط‌های آموزشی صمیمانه و دلپذیر و جذابی را برای آنان فراهم آورند.

جدول شماره ۱-۱ ماتریس همبستگی * معنی‌های تحقیق

متغیرها	اضطراب پنهان	اضطراب آشکار	اضطراب کلی	تحول هشیاری نسبت به خود	فقدان نیروی من	گرایش پارائویی	گرایش به گنجهاری	تنش ارگی	فقر اقتصادی	آینده شغلی تحصیلی	کنترل افراطی	محیط جدید
اضطراب پنهان	۱											
اضطراب آشکار	$r = 0.876$ $P < 0.001$	۱										
اضطراب کلی	$r = 0.841$ $P < 0.001$	$r = 0.837$ $P < 0.001$	۱									
تحول هشیاری نسبت به خود	$r = 0.500$ $P < 0.001$	$r = 0.483$ $P < 0.001$	$r = 0.787$ $P < 0.001$	۱								
فقدان نیروی من	$r = 0.702$ $P < 0.001$	$r = 0.713$ $P < 0.001$	$r = 0.941$ $P < 0.001$	$r = 0.399$ $P < 0.001$	۱							
گرایش پارائویی	$r = 0.112$ $P < 0.001$	$r = 0.113$ $P < 0.001$	$r = 0.155$ $P < 0.001$	$r = 0.370$ $P < 0.001$	$r = 0.318$ $P < 0.001$	۱						
گرایش به گنجهاری	$r = 0.491$ $P < 0.001$	$r = 0.473$ $P < 0.001$	$r = 0.766$ $P < 0.001$	$r = 0.391$ $P < 0.001$	$r = 0.442$ $P < 0.001$	$r = 0.181$ $P < 0.001$	۱					
تنش ارگی	$r = 0.115$ $P < 0.001$	$r = 0.112$ $P < 0.001$	$r = 0.120$ $P < 0.001$	$r = 0.391$ $P < 0.001$	$r = 0.387$ $P < 0.001$	$r = 0.150$ $P < 0.001$	$r = 0.596$ $P < 0.001$	۱				
فقر اقتصادی	$r = 0.379$ $P < 0.001$	$r = 0.379$ $P < 0.001$	$r = 0.431$ $P < 0.001$	$r = 0.337$ $P < 0.001$	$r = 0.279$ $P < 0.001$	$r = 0.218$ $P < 0.001$	$r = 0.308$ $P < 0.001$	$r = 0.783$ $P < 0.001$	۱			
آینده شغلی تحصیلی	$r = 0.415$ $P < 0.001$	$r = 0.413$ $P < 0.001$	$r = 0.499$ $P < 0.001$	$r = 0.313$ $P < 0.001$	$r = 0.357$ $P < 0.001$	$r = 0.130$ $P < 0.001$	$r = 0.381$ $P < 0.001$	$r = 0.475$ $P < 0.001$	$r = 0.473$ $P < 0.001$	۱		
کنترل افراطی والدین	$r = 0.503$ $P < 0.001$	$r = 0.471$ $P < 0.001$	$r = 0.512$ $P < 0.001$	$r = 0.311$ $P < 0.001$	$r = 0.212$ $P < 0.001$	$r = 0.199$ $P < 0.001$	$r = 0.373$ $P < 0.001$	$r = 0.478$ $P < 0.001$	$r = 0.578$ $P < 0.001$	$r = 0.475$ $P < 0.001$	۱	
محیط جدید	$r = 0.343$ $P < 0.001$	$r = 0.481$ $P < 0.001$	$r = 0.709$ $P < 0.001$	$r = 0.378$ $P < 0.001$	$r = 0.391$ $P < 0.001$	$r = 0.187$ $P < 0.001$	$r = 0.341$ $P < 0.001$	$r = 0.442$ $P < 0.001$	$r = 0.423$ $P < 0.001$	$r = 0.341$ $P < 0.001$	$r = 0.341$ $P < 0.001$	۱

* ماتریس همبستگی بالا نشان می دهد همه متغیرها در سطح $P < 0.001$ و کنترل افراطی والدین با گرایش پارائویی در سطح $P < 0.001$ با یکدیگر همبستگی مثبت معنی داری دارند.

- 1-Id
- 2-erg
- 3-Mc Dougall
- 4-Horton
- 5-Sarason
- 6-Bowlby
- 7-Freud
- 8- Sears, naccoby, and Levin
- 9-Schaefer
- 10-Baumrind
- 11-Bachman, O, malley and johnson
- 12-Cuasal- Comparitive method
- 13-Correlation
- 14-Multi Stage random cluser sampling

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- بهرامی، فاطمه؛ بررسی عوامل اضطراب در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۲- صلحی، فاطمه؛ بررسی اضطراب دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان آباد، پایان‌نامه کارشناسی.
- ۳- سیاسی، علی‌اکبر؛ نظریه‌های شخصیت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.
- ۴- محسنی، منوچهر؛ مقدمات جامعه‌شناسی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- احدی، حسن و محسنی، نیک‌چهر؛ مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی، نشر بنیاد، تهران، ۱۳۷۷.

- ۶- احمدی، سید احمد؛ روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل، تهران، ۱۳۷۴.
- ۷- برومند نسب، مسعود، حسین، شکرکن و بهمن نجاریان؛ بررسی رابطه نگرش‌های فرزندپروری و جایگاه مهار در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهرستان دزفول، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، سال چهارم، شماره یک و دو بهار و تابستان ۷۶.
- ۸- دادستان، پریرخ؛ سنجش و درمان اضطراب امتحان، مجله روان‌شناسی، سال اول شماره ۱۳۷۶.
- ۹- فتحی آشتیانی، علی؛ بررسی تحولی ابعاد روان‌شناختی دانش‌آموزان، مجله روان‌شناسی، سال اول، شماره ۱۳۷۶.
- ۱۰- وندر زندن. جیمزدبیلو روان‌شناسی رشد ترجمه دکتر حمزه گنجی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۷۶.

11-Bechman, J. G. Johnson, L. D. & O'malley. P. M. (1978). Adolescence To adulthood: Change and stability in the lives of youngmen. Ann Arbor, Institute for social Research. University of Michigan.

12-Sarason, L. G. (1978). The Test Anxiety Scale: Concept and Research. In. C. D. Spielberger & I. G. Sarason (Eds), Stress and Anxiety (Vol 5) Washington: Hemisphere.